

اجابت دعا (۲)

مرزهای شرک و توحید در دعا

در بخش قبلی درباره معنای "اجابت دعا"، که چیزی جز برداشتن موانع و حجاب منیت‌ها و هواهای نفسانی در طریق بندگی و عشق‌ورزی به سوی محبوب نیست، سخن گفتیم و نشان دادیم برخلاف تصور بسیاری از مردم، اجابت دعا فعل و انفعالی درونی و قلبی است که توسط دعاکننده تحت تأثیرجاذبه ربوبی انجام می‌شود، نه اقدامی بیرونی که توسط پروردگار و مستقل از بنده صورت گیرد.

مصادقی از این ارتباط دو سویه را در قسمت قبلی در اشاره به دعای حضرت موسی و هارون (علیهما السلام) برای نجات بنی‌اسرائیل از ظلم و ستم فرعونیان بیان کردیم که اجابت آن دعاها به شرط استقامت بنی‌اسرائیل و احتراز از پیروی ناآگاهان تحقق یافت.

نمونه و مصداق دیگر، دعای مجاهدان بدر هنگام رویارویی با سپاه مجهز مشرکین است که مجاهدت مخلصانه آنها در اوج طلب و تمنای نجات و پیروزی، به استغاثه و استمداد از پروردگار رسید و در آن کارزار سرنوشت‌ساز، "اجابت ربوبی" از طریق امدادهای غیبی تحقق یافت، اما نه از بیرون، بلکه از درون آنها، از طریق تقویت روحیه، واحساس امنیت و آرامش روان.

اما بهترین نمونه و مصداق، و مُدل روشن برای شناخت مکانیسم "اجابت دعا" را درمناجات پرسوز و گداز خردمندان (اولوالالباب)، که عمیق‌ترین و جامع‌ترین دعای انسان‌های رشد یافته را با پنج بار ندای "ربنا" نشان می‌دهد، می‌یابیم (آیات ۱۹۱ تا ۱۹۵ سوره آل عمران):

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ قَوْلُنَا عَذَابَ النَّارِ
رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ
رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا
رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّعْنَا مَعَ الْآبِرَارِ
رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.

پروردگارا آسمان‌ها و زمین را بیهوده نیافریده‌ای منزهی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار
پروردگارا هر که را تو در آتش درآوری یقیناً رسوایش کرده‌ای و برای ستمکاران یاورانی نیست
پروردگارا ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می‌خواند که به پروردگار خود ایمان آورید پس ایمان آوردیم
پروردگارا گناهان ما را بیامرز و بدیهای ما را بزدا و ما را در زمره نیکان بمران
پروردگارا و آنچه را که به وسیله فرستادگانت به ما وعده داده‌ای به ما عطا کن و ما را روز رستاخیز رسوا
مگردان زیرا تو وعدهات را خلاف نمی‌کنی

پاسخ پروردگار به چنین پرواپیشتگانی البته "اجابت" بود: فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ.....

اما مشروط به "عملی" که باید پشتوانه چنین دعائی قرار گیرد! بنابراین وعده داده می‌شود اگر عمل کنید، مسلماً خداوند عمل هیچ زن و مردی را ضایع نمی‌سازد:

.....أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُم مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنتِي بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ ۖ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتِلُوا وَقُتِلُوا.....

... من عمل هیچ صاحب عملی از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگرید تباه نمی‌کنم پس کسانی که هجرت کرده و از خانه‌های خود رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده‌اند...

عملی که در زمان نزول این آیات انتظار می‌رفت و مورد نیاز مؤمنین در معرض شکنجه و اعدام بود، هجرت از مدینه، آمادگی اخراج از شهر و دیار، تحمل آزار و اذیت دشمنان و پیکار تا سرحد جان در راه حق و دفاع از موجودیت مجتمع ایمانی بوده است. تنها در این صورت خواسته آنها در پاک شدن از گناهان و بدی‌های گذشته اجابت می‌گردید.

..... لَا كُفْرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ

... بدیهایشان را از آنان می‌زدایم و آنان را در باغهایی که از زیر آن نهرها روان است درمی‌آورم این پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست

کلمه "ثواب" نیز در این آیه قابل توجه است، در تصور عامیانه، ثواب جایزه‌ای است بیرون از وجود ما که در ازای اعمالمان توسط خدا پرداخت می‌شود، اما در آیه فوق ثواب را همان بازتاب و نتیجه طبیعی عمل هرکس می‌شمارد.

شرط توحید در اجابت دعا

مؤمنین معمولاً انتظار دارند آنچه دعا می‌کنند برآورده گردد، هرچند بنده پناهمگاهی در گرفتاری جز دامن رحمت ربوبی ندارد، و در هر حال توصیه شده است همواره او را دعا کنند تا مگر تقرب بی حاصل شود؛ اما تنها اجابت دعاهائی در قرآن تضمین شده است که خالص از حوائج مادی بوده و فقط خدا خوانده شود. خدا خواندن توحیدی نیز همان طلب کردن اسماء نیکوی اوست یا خواهشی که خالص از منیت‌های فردی و اجتماعی باشد. نگاه کنید:

(بقره ۱۸۶) وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

و هرگاه بندگان من از تو در باره من بپرسند بگو من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم پس آنان باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند باشد که راه یابند

(غافر ۶۰) وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ و پروردگارتان فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم در حقیقت کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی‌آیند

(نمل ۶۲) أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۚ إِنَّ اللَّهَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ یا کیست آن کس که درمانده را چون وی را بخواند اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌گرداند و شما را جانشینان این زمین قرار می‌دهد آیا معبودی با خداست چه کم پند می‌پذیرید

بسیاری از مردم نگاهشان به "اجابت دعا"، شبیه رسیدن به اهداف و مقاصد مادی دنیائی است که بعضاً از طریق واسطه‌تراشی، پارتی بازی و زد و بند انجام می‌شود. اما اجابت دعا، همانطور که گفته شد، درونی است، نه بیرونی و با واسطه، کسب کردنی است نه توصیه‌ای و سفارش دادنی. در نگاه توحیدی به دعا، تا از درون تحولی صورت نگیرد، اجابتی حاصل نمی‌گردد.

اگر در سه چهار مورد قرآن تأکید کرده است که برای اجابت دعا فقط باید خدا را خواند، در عوض در موارد بسیاری، از خواندن غیر خدا یا واسطه و شفیع قرار دادن به شدت نهی شده است. دلیل آن روشن است؛ کسی که خورشید را منبع نور و گرما می‌داند، در شیفته شدن به ماه، که فقط نور خورشید را انعکاس می‌دهد، به بیراهه رفته است. از بودا نقل شده است که: "پیامبران با انگشتان خود آسمان را به مردم نشان می‌دهند، اما مردم به انگشتان آنان خیره می‌شوند!"

قرآن تأکید می‌کند دعای حق، یعنی خواسته و حاجتی که تحقق می‌یابد، منحصرأ مخصوص خداست، چرا که فقط حکم و فرمان و قضا و قدر او در جهان حاکم است و هیچیک از فرشتگان، پیامبران و... نقش مستقلی ندارند.

(رعد ۱۴) **لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٌ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ**

دعوت حق برای اوست و کسانی که مشرکان جز او می‌خوانند هیچ جوابی به آنان نمی‌دهند مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آب بگشاید تا آب به دهانش برسد در حالی که آب به دهان او نخواهد رسید و دعای کافران جز بر هدر نباشد

در طول تاریخ مذاهب و شرایع گوناگون، اکثریت انسان‌ها چنین پنداشته‌اند که فرشتگان و پیامبران و پیشوایان دینی، یا حاکمان قدرت‌مدار می‌توانند در این میان نقش واسطه و شفیع را ایفا کنند، اما قرآن بارها تاکید کرده است آنها نه تنها دعای درخواست کننده را نمی‌شنوند، بلکه از اجابت آنها نیز عاجز بوده و در روز محشر نیز نه تنها از خوانندگان خود نمی‌توانند کوچکترین حمایت و دستگیری نمایند، بلکه معترض و منکر چنین واسطه تراشی‌های شرک آمیزی خواهند شد:

(فاطر ۱۴) **إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ**
اگر آنها را بخوانید دعای شما را نمی‌شنوند و اگر فرضاً بشنوند اجابت‌تان نمی‌کنند و روز قیامت شرک شما را انکار می‌کنند و هیچ کس چون خدای آگاه تو را خبردار نمی‌کند

(احقاف ۵ و ۶) **وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ**
و کیست گمراخته‌تر از آن کس که به جای خدا کسی را می‌خواند که تا روز قیامت او را پاسخ نمی‌دهد و آنها از دعایشان بی‌خبرند. و چون مردم محشور گردند دشمنان آنان باشند و به عبادتشان انکار ورزند

(اعراف ۱۹۴) **إِنَّ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ قَادَعُواهُمْ فَادَعَوْهُمْ فَلَيْسَ سَتَجِيبُوا لَكُمْ** إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
در حقیقت کسانی را که به جای خدا می‌خوانید بندگان امثال شما هستند پس آنها را در گرفتاریها بخوانید اگر راست می‌گویید باید شما را اجابت کنند

به نظر می‌رسد غفلت از معنای عمیق واژه "اجابت" که مرهون دو عامل تشنگی، عشق و دلدادگی به يك هدف و تلاش برای برداشتن فاصله میان خود و مقصود است، باعث این بد فهمی‌ها شده است.

دعا و دعوت چند سویه است

نکته دیگری که معمولاً مغفول واقع می‌شود، چند جانبه بودن دعا و اجابت است! تنها ما نیستیم که دعا می‌کنیم و انتظار اجابت از خدا داریم، خدا و رسولش نیز دعا می‌کنند (ما را فرا می‌خوانند و صدا می‌کنند) و از ما انتظار اجابت دارند! و این به ظاهر شگفت می‌آید، چرا که خواندن ما از سرِ نقص است و نیاز، خدا که کمال مطلق است چرا ما را می‌خواند و طلب اجابت می‌کند؟

عارفان می‌گویند او معشوقی است که در جلوه‌گری و دلربائی‌اش، بدون آن که نیازی به عاشق داشته باشد، از روی لطف و رحمت، او را به کانون زیبایی‌ها فرا می‌خواند تا در نزدیک شدن به آن، حس زیبایی‌طلبی عاشق تقویت شود و به کمال و حیات واقعی نائل شود.

آنها بیشترین تأکید خود را روی "عشق" متمرکز کرده‌اند و آن را عامل "اجابت" دعا شمرده‌اند، اما قرآن در بستری عملی (نه احساسی) اجابت خدا را وابسته به اجابت بنده (نسبت به دعا و دعوت خدا و رسول) کرده است و اصولاً سعادت و نجات انسان در گرو همین اجابت دعوت رسولان است که پایه اصلی بازخواست خدا از بندگان و پرسش از رسولان است.

(قصص ۶۵) **وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ**
و روزی را که خدا آنان را ندا درمی‌دهد و می‌فرماید فرستادگان ما را چه پاسخ دادید

(شورا ۴۷) اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلَجٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ
پیش از آنکه روزی فرا رسد که آن را از جانب خدا برگشتی نباشد پروردگارتان را اجابت کنید آن روز نه
برای شما پناهی و نه برایتان مجال انکاری هست

(آل عمران ۱۷۲) الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ الَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ
کسانی که در نبرد پس از آنکه زخم برداشته بودند دعوت خدا و پیامبر او را اجابت کردند برای کسانی از آنان
که نیکی و پرهیزگاری کردند پاداشی بزرگ است

(شورا ۳۸) وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ
و کسانی که ندای پروردگارتان را پاسخ داده و نماز برپا کرده‌اند و کارشان در میانشان مشورت است و از
آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند

استجاب دعا، که مفهوم آن (در باب استفعال) طلب کردن و تمایل داشتن به رفع مانع و حاجب میان خود و خداست،
تنها از طریق بندگی ممکن می‌گردد:

قرآن مهلت عمر را فرصتی برای اجابت دعای پروردگار (پاسخگویی به ندای دعوت او) شمرده که بندگان باید قبل از
فرا رسیدن مرگ، یا قیامتی که امکان بازگشت به زندگی و اجابت دعوت را سلب می‌کند، پاسخ گویند:

(شورا ۴۷) اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلَجٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ
پیش از آنکه روزی فرا رسد که آن را از جانب خدا برگشتی نباشد پروردگارتان را اجابت کنید آن روز نه
برای شما پناهی و نه برایتان مجال انکاری هست

این بانگ جرس و ندای ربوبی را، همان طور که ذکر گردید، خردمندان (اولوالالباب) به جان می‌شنوند و به مقتضایش
عمل می‌کنند. علاوه بر آن، به تصریح قرآن، مهمترین پرسش خداوند از بندگان در روز قیامت همین است که چگونه پیامبران را
"اجابت" کرده‌اند و از پیامبران نیز سؤال می‌شود که مردم چگونه دعوت آنان را "اجابت" کردند:

(مائده ۱۰۹) يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا بِئِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ
یاد کن روزی را که خدا پیامبران را گرد می‌آورد پس می‌فرماید چه پاسخی به شما داده شد می‌گویند ما را هیچ
دانشی نیست تویی که دانای رازهای نهانی

(قصص ۶۵) وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ الْمُرْسَلِينَ
و روزی را که خدا آنان را ندا درمی‌دهد و می‌فرماید فرستادگان ما را چه پاسخ دادید

از قضا، شیطان نیز ما را دعا (دعوت) می‌کند و به سوی خویش فرامی‌خواند و انتظار "اجابت" دارد!؟

(ابراهیم ۲۲) وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقَّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ
سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي قُلْ تَلَوْنِي وَلَوْ مُوَيِّدًا لَأَتَيْنَنَّكُمْ...
و چون کار از کار گذشت و داوری صورت گرفت شیطان می‌گوید در حقیقت خدا به شما وعده داد وعده
راست و من به شما وعده دادم و با شما خلاف کردم و مرا بر شما هیچ تسلطی نبود جز اینکه شما را دعوت
کردم و اجابت نمودید پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید...

به این ترتیب در جهان غوغائی است از دعا و دعوت و فراخوان! نه تنها ما دعا می‌کنیم و پاسخ می‌طلبیم، ما را نیز
دائماً از چپ و راست به سوی خود دعوت می‌کنند، تا کدامین را اجابت کنیم!